

میدون و سوفیا

هواگیری، پنچ‌گیری یا هاراگیری؟



یوریا عالمی

● سلام سوفیا، عشقم.
-سلام میدون دوم.
آیا آماده‌ای هواگیری کنیم؟
-بی‌ترپیت. ما از آن خانوادها نیستیم که هواگیری کنیم‌ها.

بی‌ترپیت یعنی چی؟ الان اول تابستان است و باید هواگیری کنیم.

-بابای من معتقد است هواگیری یک فرهنگ بیگانه است و ایرانی‌های اصیل جای هواگیری، پنچ‌گیری می‌کنند. اتفاقا باد بابای من معروف است. وقتی بچه بودم، دوچرخه هرکی پنچر می‌شد، بابای من براش باد می‌زد. یک بابای سوفیا بود و باد یک محله.

ولی-سوفیا، بادزدن و پنچ‌گیری برای دوچرخه است، اما هواگیری برای کولر و فن‌کولن و این قرنی بازی‌هاست.

-من حالیم نیست میدون دوم. من به فرهنگ بابای سوفیا وفادارم. بابام گفته ما در تابستان فقط باید پنچ‌گیری کنیم و هواگیری ممنوع است.

خب-آخر ما که پنچر نیستیم.

خب-یک کاری بکن پنچر بشویم.

ما: اصلا تلمبه نداریم که بخواهیم باد بزнім. سوفیا... سوفیا... سوفیا... تو از کی این‌همه وفادار به بابای سوفیا شدی؟ الان تابستان است و این فن‌کولن نیاز به هواگیری دارد وگرنه باد گرم می‌زند.

-باد گرم بزند و ما بیزیم بهتر از این است که بابای سوفیا را جز جگر بدهیم.

سوفیا... عشقم... چرا داری لج می‌کنی؟

-چون بابام گفته هواگیری مال ما نیست و ما باید پنچ‌گیری را که مال خودمان است تقویت کنیم.

-سوفیا، من می‌خواهم از دست تو و بابای سوفیا خودم را با گلوله بزیم و خلاص.

-اتفاقا خودم را با گلوله بزیم و خلاص. اتفاقا خودم را با گلوله بزیم و خلاص. اتفاقا خودم را با گلوله بزیم و خلاص. اتفاقا خودم را با گلوله بزیم و خلاص. اتفاقا خودم را با گلوله بزیم و خلاص.

من: نه پنچ‌گیری می‌کنم نه هواگیری! من از دست تو و بابای تو می‌خواهم هاراگیری کنم و خلاص.



پرنده آبی

در آستانه کانادایی شدن

● غیر از ماجرای پوششه و مازراتی که هادی رضوی خریداری کرده و به‌شدت مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی است، ماجرای قرارداد و بدهی برانکو موضوع دیگری است که کاربران را به‌شدت درگیر کرده است؛ هرچند رامبد جوان و نگار جواهریان اعلام کرده‌اند برای ارکان فیلم «قانون مورفی» به تورنتوی کانادا سفر کرده‌اند؛ اما برداشت مخاطبان این است که هدف آنها رفتن در نزدنشان در کشوری غیر از ایران است. یکی از بیشترین نوشته‌ها که مورد استقبال قرار گرفته، این است: «مردمممم خوب ایران! ماااا شما رو خلییییی دوس داریم! خلییییییی! فقط به توک یا میریم کانادا بچمون شهروند اوجا باشه از همسون اول! ابدی برمی‌گردیم! ضمنا... یادتون نره» یا دیگری نوشته: «به احترام مردم خوب ایران ما رفیقیم کانادا تا بچمون ایران به دنیا نیاد و شهروند کانادا بشه دوباره برمی‌گردیم و می‌کیم شما خیییلی خوبید ایران خیییلی خوبه، خیییییی تا... رو نصب کنید ما برگشتیم». کاربران انگار انتظار داشتند کسی مثل رامبد جوان که مدام از ایران فرارندشان در کشوری غیر از ایران است. حرف می‌زد و هرشب می‌گفت عاشق مردم ایران است، توجه ویژه‌ای به این نکته داشته باشد.

اما سؤال این است که حتی اگر این زوج شناخته‌شده سینمایی بخواهند فرزندان‌شان را در کانادا به دنیا بیاید، چه ایرادی دارد؟ اکنون بسیاری از شهروندان ایرانی دیگر هم این کار را می‌کنند؛ پس چرا افرادی نظیر فرخ‌زاد یا مهناز افشار و... مورد پرسش قرار می‌گیرند؟ دلیل خیلی ساده است، سلب‌ریتی‌بودن، در قلب مردم بودن هنگامی معنا می‌دهد که به شکل واقعی همراه و شبیه بیشتر آنها بود. البته هیچ جای نگرانی نیست. بسیاری از ما حافظه کوتاهی داریم و به‌سرعت این ماجرا فراموش می‌شود و دوباره ساعت‌ها پای خندوانه و دیگر فیلم‌های این کارگردان و بازیگر می‌نشینیم. نمونه‌اش را بارها داشته‌ایم. امین حیایی با فیلم قلاده‌های طلا بود که مردم به او به صف و در خیابان بی‌اعتنایی می‌کردند، حالا دوباره جایگاهش را بین مردم بازافته است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

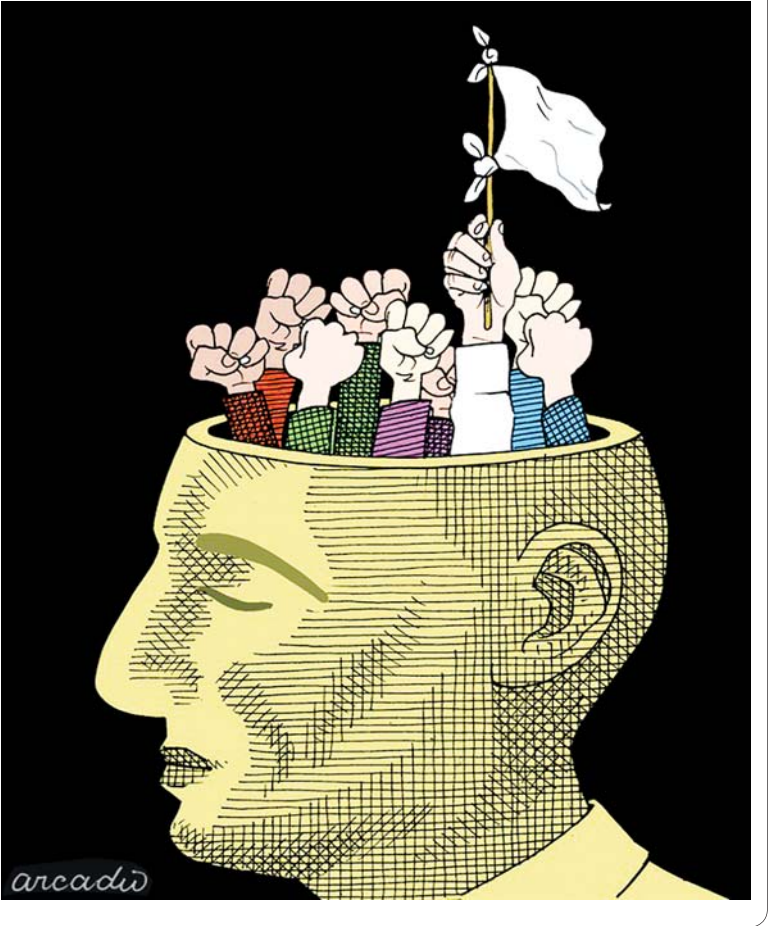
دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ • ۶ شوال ۱۴۴۰ • ۱۰ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۴۶ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

آرکادیو اسکیوال



جنایت اقلیمی علیه بشریت-۳

تصویر دروغین خوش‌بینانه برای نابودی زمین



محمد درویش

آقای رایلی، رئیس سازمان زمین‌شناسی آمریکا که سابقه‌ای در دانش تغییر اقلیم ندارد، تغییرات جدید را به عنوان تلاشی در زمینه تهیه گزارش‌های مناسب‌تر و دقیق‌تر توصیف کرده است. اما دانشمندان می‌گویند با حدف پیش‌بینی تأثیرات افزایش انتشار کربن پس از سال ۲۰۴۰، سازمان زمین‌شناسی تصویر ناکامل و اشتباه خوش‌بینانه‌ای از تأثیر ادامه استفاده بی‌حد و مرز از سوخت‌های فسیلی ارائه می‌دهد. کاترین هیهو، مدیر مرکز اقلیم‌شناسی در دانشگاه فنی تگزاس و نگارنده ارزیابی آب و هوای ملی، می‌گوید: «سناریوها در چنین گزارش‌هایی که نتایج متفاوتی ارائه می‌دهند، مانند رفتن نزد پزشکی است که به شما می‌گوید اگر رژیم غذایی نامناسب خود را تغییر ندهید و شروع به ورزش کنید، نیاز به جراحی bypass چهارگانه دارید، اما اگر سبک زندگی خود را تغییر دهید، نتیجه متفاوتی دریافت خواهید کرد». همه آژانس‌های علمی دولتی برای چنین تغییراتی برنامه‌ریزی نمی‌کنند. سخنگویی از اداره ملی اقیانوسی و جوی در پاسخ به این پرسش که آیا پژوهشگران این سازمان استفاده از مدل‌های آب و هوایی را محدود خواهند کرد، در ایمیلی نوشته است: «در حال حاضر چنین تغییراتی در نظر گرفته نشده‌اند». به گفته برخی مقامات، فشار برای تغییر نتایج از برخی گزارش‌های علمی در زمینه اقلیم پس از یک ارزیابی ملی در ماه نوامبر سال گذشته آغاز شد. در حالی که دولت ترامپ اقدام به بازنویسی نتایج پژوهشی از گزارش نکرد، اما مقامات رسمی تلاش کردند با انتشار آن یک روز پس از جشن شکرگزاری آن را کم‌ارزش جلوه دهند و با اعلام آنکه «این گزارش بر اساس سناریوهای اغراق‌آمیز بنا شده» از اعتبار آن بکاهند. اما هنوز این گزارش می‌تواند مشکلاتی قانونی برای نقشه ترامپ در براندازی قوانین ایجاد کند. انتظار می‌رود تابستان امسال آژانس حفاظت از محیط زیست لغو رسمی دو قانون از مهم‌ترین سیاست‌های اوباما را به فرجام برساند؛ مقررات فدرال برای کاهش آلاینده‌های حاصل از آگروز خودروها و از دودکش نیروگاه‌ها که موجب افزایش دما می‌شوند. مخالفان می‌گویند اگر علیه این تصمیمات به دادگاه بروند، با این کار قصد اشاره به ارزیابی اقلیم را دارند و این پرسش را مطرح می‌کنند که دولت چگونه می‌تواند کارهای معکوس خود را توجیه کند؛ زمانی که آژانس‌های متعلق به او به این نتیجه رسیده‌اند آلودگی‌های نامبرده تا این حد مضر خواهند بود. به همین دلیل، مقامات رسمی در

خواننده عزیز روزنامه «شرق»!

حتی‌تصور ایجاد خطرناک دست‌کاری‌های علمی که علنا از سوی حاکمان کاخ سفید در حال انجام است، امکان‌پذیر نیست. مگر می‌شود یک دولت تا این حد آژمند، خودخواه و نابخرد باشد که برای تأمین منافع اقتصادی شش‌رکای تجاری‌اش در یک دوره ۱۰ساله، آینده‌پایداری زیستدر کره زمین برای نیمه دوم قرن بیست‌ویکم را به تاراج برد؟ در این میان، تأسیف عمیق‌ترم از آن است که هنوز برخی از به‌اصطلاح روشنفکران و فعالان مدنی در داخل و خارج از کشور که با سیاست‌های جمهوری اسلامی زاویه دارند، برای ترامپ کف می‌زنند و او را یک مرد واقعی می‌دانند که فقط به فکر منافع ملت خویش است! چقدر راه نرفته و کار نکرده داریم! چقدر ...

بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی



گمان می‌کنم از زمان تأسیس «سازمان نظام پزشکی ایران» و استقرار اصول و انتظاماتی برای کار پزشکی، تبلیغات پزشکی خلاف و از نظر اخلاقی فعلی ناپسند بوده است. همه ما هنوز هم بنا بر عرف معمول جامعه تنها از دو تابلو با اندازه‌های مشخص به رنگ سفید و حتی با فونت‌هایی مشخص استفاده می‌کنیم. ابعاد سرشنه‌ها و نوشته‌های مهر نظام پزشکی ما هم از قواعد خاصی پیروی می‌کند. همین الان هم اگرچه گویا نظارتی نیست، اما استفاده از رنگ‌ها و فونت‌های خارج از عرف، بنا بر سلیقه پزشکان «جلف» محسوب می‌شود. این اخلاقیات آن‌قدر بدیهی بوده که نیازی به ذکر دلیل برای آن احساس نمی‌شده است. اما وقتی با رفتاری به‌غایت عجیب و غریب در این زمینه روبه‌رو می‌شویم (رفتاری که می‌رود عرف و عادت نشود)، وقتی با شرکت‌های کارگزاری‌ای روبه‌رو می‌شویم که در ازای دریافت پول برای رسانه‌ای که صاحب آن ملت است (وقت تبلیغ) به پزشکان می‌فروشند، وقتی با تبلیغات وسیع و پرزرق‌وبرقی روبه‌رو می‌شویم که سلامت را با این یا آن محصول به شما می‌فروشند، هیچ چیز تاسف‌آورتر از لزوم توضیح دلیل ممنوعیت تبلیغ پزشکان آن هم نه برای توده مردم که برای رسانه ملی وجود ندارد. رسانه‌ای که لاید می‌داند می‌تواند بیشترین نقش را در مهندسی سلاقی عمومی در متابعت یا در مخالفت با خود بازی کند. اما از این توضیح گریزی نیست؛ اساس کار پزشکی بر ارائه خدمت است نه کسب درآمد و این ارائه خدمت تنها بر اساس سیستم ارجاع امکان‌پذیر است. ارجاعی صادقانه و علمی که از بیرون ممکن است فروتنانه به‌نظر برسد که این‌طور نیست. پزشکان فروتن نیستند، اما برای انجام وظایف ذاتی‌شان مجبور به متابعت از سیستم ارجاع هستند، آن هم نه‌تنها به شکل عمودی که به شکل افقی. وقتی مراجعه بیمار به طبیب به نر اساس تبلیغ که بر اساس تشخیص خود بیمار باشد، ممکن است به هر طبعی با هر تخصصی مراجعه کند

آکادمی

نظام پزشکی و تبلیغات

و وقتی حل مشکل در توان آن طبیب نیست، وظیفه او بر اساس اصول اخلاقی فراگرفته‌اش چیزی نیست جز ارجاع بیمار به طبیب مربوطه. اگر عمومی است به متخصص (عمودی) و اگر متخصص است به تخصص دیگری (افقی). پزشکان به‌عنوان افراد، مسئول برقراری سیستم ارجاع درست و عمودی و به تبع آن حفظ منافع عمومی نیستند. وظیفه اخلاقی ایشان تنها ارجاع بیمارانی است که توان درمان ایشان را در خود نمی‌بینند. دولت‌ها و بیمه‌ها هستند که باید ترتیبی اتخاذ کنند تا برای حفظ منافع ملی، پزشکان با هر تخصص، بیشترین وقت را تنها به مهارت خاص خود اختصاص دهند. آشکار است که این سیستم ناگفته اما بدیهی درست نقطه مقابل سیستم تبلیغاتی‌ای است که طبیب با توانایی مطلق نشان می‌دهد و رسانه عمومی را تبدیل به ارجاع‌دهنده اصلی می‌کند. بنابراین مهم‌ترین آشخور این‌گونه تخلفات آشکار چیزی نیست جز خدشه‌برداشتن اصل اساسی ارجاع در سیستم پزشکی ما و در درجه بعد انحطاط روزافزونی که ما را در برابر بدیهی‌ترین نقض اصول اخلاقی بی‌تفاوت کرده است. به این بیفزایید غلبه روش‌های تولید زیبایی بر تولید سلامت در ساعات کار پزشکان که بی‌تردیب اخلاقیات بازاری و رایج آن بر اخلاقیات تولید سلامت هم تأثیر می‌گذارد، در حالی که اگر نیک بنگری در همین زمینه هم این اخلاقیات و سنت‌های تولید زیبایی است که باید تحت‌الشعاع اخلاقیات و روش‌های تولید سلامت باشد تا هرروز شاهد فجایی در این زمینه‌ها نباشیم! اگرچه مخاطب اصلی سازمان نظام پزشکی خود پزشکان متخلف و خریداران تبلیغات است که باید با آنها برخورد کند، اما قطعاً سازمان عریض و طویلی که به وسعت و وفور ابزار تخلف را فراهم کرده و پزشکان را می‌فریبد هم نمی‌تواند مصون از پیگرد باشد. وظیفه ذاتی سازمان نظام پزشکی به‌عنوان مهم‌ترین متولی اصول اخلاقی پزشکی این است که بر اساس اصول بنیادین خود علیه این‌گونه اقدامات اقامه دعوا کند تا از این طریق بتواند اصولی را به اثبات رسانده، توجه و همکاری عرصه عمومی، رسانه‌ها و فرهیختگان را به این اصول جلب کند و نشان دهد که راهکار بهبود سیستم سلامت دارای چه پیچیدگی‌هایی است و تنها از کوره‌راه پرخاش یا پزشکان نمی‌گذرد.

قصه‌های شهر

شلیک به امتحانات!

نابغه‌بودن است که این‌جور نفس‌گیر درس می‌خوانند – درحالی‌هر عقل سلیمی این را تشخیص می‌دهد که اگر بچه‌ای در همه درس‌ها، از فیزیک گرفته تا هنر نمازش، ۲۰ باشد، لاید یا نابغه است یا لاجرم به هیچ‌کدام علاقه و استعداد واقعی ندارد -بلکه تعداد بی‌شماری از آنها می‌خواهند در رقابت نفس‌گیری برنده شوند که در نهایت آنها را به خوشبختی رایج این دوران برساند؛ یعنی پولدارشدن. همین چندوقت پیش با نوجوانی صحبت می‌کردم که در مقطع تعیین رشته متوسطه بود، از آن معدول‌بیست‌ها، گفت به هنر علاقه دارد، اما به هنرستان نخواهد رفت. اول فکر کردم دلایل آن منطق رایج اطرافیان است که «عزیزم حیف تو نیست با این معدل ۲۰ بروی هنر؟ هنر را که بعداً با دوتا کلاس نقاشی و پول‌کدوری یاد می‌گیری». اما نوجوان مربوطه به من گفت که خودش نمی‌خواهد به دنبال هنر برود، چون در هنر پولی نیست و اگر هم باشد، احتیاج به رابطه و آشنابازی دارد. نباید غافل باشیم که این ماجرا طرف پشت‌پرده دیگری هم دارد؛ معلمان و کادر آموزشی مدرسه که از یک طرف باید به قواعد این نظام آموزشی تن در دهند و با ساختن چهره‌ای خشن از خودشان کار را به انجام برسانند و از طرف دیگر با نسلی رویبرو هستند که معیارهایشان، علایقشان و حتی زاناشان بسیار با آنها متفاوت است. این نبرد سهمگین که هرساله مثل توفانی داخل خانواده‌ها می‌شود، از عوارض سیستم آموزشی است که در آن رقابت شرط موفقیت به حساب می‌آید. لاید این سیستم هم محصول جامعه و تفکری است که در آن مسابقه حرف اول را می‌زند؛ مسابقه‌ای که در آن قرار است سرچرخ به قله‌هایی برسیم که در آن تضمین موفقیت و خوشبختی وجود دارد. حالا حتما چند خواننده نکته‌نیز هم در این میان وجود دارند که بگویند خب، اگر رقابتی نباشد چطور می‌شود پیشرفت کرد یا حداقل چطور می‌شود بچه‌ها را هل داد به سمتی که زندگی‌شان موفقیت‌آمیز به حساب بیاید؟ البته که من هم مثل شما به دنبال جواب هستم، طبق به نیست درست وسط همان نبردی که با فرزندانم برای گرفتن نمره ۲۰ داریم، به این فکر کنیم که او را به رقابت با چه چیزی یا داخل چه مسابقه‌ای بیندازیم که در انتها نه نقش کسی را بگیرد که با اسم عشق تهدید می‌کند و نه نقش کسی که با یاد عشق شلیک می‌کند.

نشست

کار کودک

نشست واگایو پدیده کار کودک در ایران هم‌زمان با روز جهانی مبارزه با کار کودک (۱۲ ژوئن) در سالن گفتگو، دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جنب بیمارستان شریعتی برگزار می‌شود. در این نشست که ساعت ۱۷ تا ۱۹ چهارشنبه، ۲۲ خرداد، برگزار است، دکتر فاطمه قاسمزاده مروری بر برنامه‌های سازمان‌های دولتی در ارتباط با کار کودک خواهد داشت و پیام روشنفکر از ایجاد کار کودک در ایران برآوردی دارد و روح انگیز جعفری قراردادی به مرحله اجرا درآید.

یادداشت

یک تصمیم‌مدیریتی و چند سؤال



امیرحسین علم‌الهدی

نزدیک به یک ماه است که سازمان سینمایی کشور قانون مترقبانه درجه‌بندی سنی فیلم‌ها را ابلاغ کرده و طبیعی است تا این قانون به فعلیت نرسد، نمی‌توان درباره آن و تأثیراتش سخن گفت!

قبلاً هم عرض کرده بودم این قانون به پیوست‌های آموزشی، سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی نیاز دارد تا بتوان به مرور زمان رابطه آن را با حوزه‌های مختلف اجتماع سنجید و صرف یک آیین‌نامه و ابلاغ آن نمی‌تواند به تأثیرگذاری کاربردی در لایه‌های مختلف سینما از تولید تا نمایش منجر شود.

گویا سازمان سینمایی در حال تشکیل هیئت درجه‌بندی سینمایی از نخبگان حوزه‌های مرتبط با این آیین‌نامه است که باید منتظر نشست و دید این هیئت در چه زمانی و با چه ترکیبی مشغول به کار می‌شود و قطعاً نیاز به زمان است تا ببینیم این آیین‌نامه از سطح وزارت ارشاد فراتر می‌رود و رابطه‌اش را با کل مردم از یک‌سو و نهادهای فراستی از سوی دیگر، چگونه بازتعریف می‌کند و اما سؤال‌هایی که همچنان نیاز به پرسش دارند؛ نیاز به پاسخ چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت:



سینماگران می‌توانند سراغ موضوع‌های زیر بروند و ببینند واکنش شورای نظارتی چیست:

۱) پایین‌آمدن سن مصرف مواد مخدر
۲) پایین‌آمدن سن فحشا
۳) پایین‌آمدن سن مصرف مشروبات الکلی
۴) ترویج ازدواج سفید میان جوانان
۵) شیوع مصرف مواد مخدر نوین میان دانشجویان و دانش‌آموزان
۶) کاهش شدید موالیید به دلیل فقر و ناامیدی از آینده

۷) بالا رفتن آمار طلاق به دلیل بی‌کاری و فقر مطلق و مشکلات جنسی زوجین

۸) فساد سیستماتیک در بدنه کشور

۹) کاهش باور به ارزش‌های اخلاقی
۱۰) خودشیفتگی مفرط مدیران (نه همکانشان)

به کارایی‌شان و اثرات تصمیمات مخربشان بر زندگی مردم

۱۱) تأثیرات مخرب سیستم آموزش پراشته‌ای از کودکی تا دانشگاه بر فرزندان این مرز و بوم

۱۲) توسعه دزدی خرد در جامعه

۱۳) مهاجرت نخبکان و کاهش امید میان فارغ‌التحصیلان

۱۴) مشکلات بحران جنسی عیدیده میان جوانان

۱۵) دلایل مخرب کاهش ارزش پول ملی بر جامعه

۱۶) نقد صریح گزینش سیستم‌های دولتی

۱۷) نقد صریح انواع نظارت بر رواج گوشه‌نشینی متخصصانی که به درد این جامعه می‌خورند و جوانان افراد بی‌تخصص بی‌تعهد (یاد صحبت شهید چمران اقدام که گفت آن‌کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست) و هزاران سؤال بی‌پاسخ که باید به وسیله سینما پرسیده شود تا جامعه به فکر فرو رود! اسام(ره) فرمودند: هنر در مدرسه عشق نشان‌دادن نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است.

اگر آیین‌نامه درجه‌بندی سنی فیلم‌ها به نشان‌دادن نقاط کور و مبهم معضلات فراگیر جامعه منجر شود، خب دستم‌زیرا به سیاست‌گذاران سازمان سینمایی کشور و یاید منتظر ماند.

البته در کوتاه‌مدت ببینیم واکنش صادرکنندگان آیین‌نامه این سازمان به سرنوشت نمایش فیلم تأثیرگذار «خانه پدری» چیست که این آزمون سرنوشت‌سازی برای ایس آیین‌نامه مترقی است که تأثیرگذاری‌اش در جامعه و بیان معضلات جامعه را نشان خواهد داد؛ سرنوشتی مانند بودن یا نبودن.

■**سم فیلم دیگری از کیناوش عیاری**

